

متن پرسش

سلام جناب استاد: پیرو پاسخ شما به سوال ۴۱۶۱۸ بنده که البته پاسخی نبود و تنها ارجاع به سخنرانی آقای طائب بود، جوابیه فقهی به بیانات متناقض و غیر صحیح و گمراه کننده و جناحی حزبی ایشان تقدیم می‌گردد <https://eitaa.com/abarin/۳۴۱۴> امید است برای هدایت آن دسته از دوستان که بواسطه شنیدن آن صوت به بیراهه فکری رفته اند این جوابیه هم در کانال مطالب ویژه باز نشر گردد. البته در مورد بیانات آقای محمدی که در کانال ارسال می‌کنید هم خیلی مساله وجود دارد و اینکه شما از ارجاع به تحلیل های آقای فواد ایزدی به ایشان رسیده اید به قول خودتان «ترقی معکوس» است اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: صحبت‌های آقای ابوالفضل امامی در نقد آقای طائب را نسبت به استناد ایشان به آیات مربوطه گوش دادم. <https://eitaa.com/abarin/۳۴۱۴> چقدر خوب بود که فضای سخن، به جای جدال، فضای علمی بود و از همان ابتدا بنا را به جای فکرکردن به آیاتی که آقای طائب به میان آورده‌اند؛ بر نفی نمی‌گذاشتند و بحث را به جای بررسی بر نگاه آقای طائب به موضوعات فرعی و مواضع ایشان به امور دیگر نمی‌بردند. آری! این کار شایسته‌ای می‌باشد که به سخن رهبر شهید عزیز استناد شود، ولی شرایط پیش آمده را نباید مدّ نظر قرار نداد و سخنانی را به بهانه فرمایشات رهبر شهید به میان آورد که بیشتر شبیه تهمت و طعنه‌زدن است. به نظر می‌آید سخنان آقای طائب نسبت به شرایط پیش آمده قابل توجه است هرچند که ممکن است عزیزی به دلایلی نگاه دیگری به موضوع داشته باشد و از آن طرف، موافقت رهبر عزیزمان آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای با مذاکرات را چگونه باید معنا کرد؟ از سخنان آقای ابوالفضل امامی برمی‌آید که عمق حضورشان نسبت به میدانی که در آن قرار داریم، کم است هرچند تلاش صادقانه داشته باشند که فرمایشات رهبر شهیدمان را نسبت به وضع موجود، به میان آورند ولی فضای جدال، امکان تفکر را از بین می‌برد. تأسف ما در این است که چرا به جای احترام به همدیگر، این‌گونه همدیگر را نفی می‌کنیم؟ و امید دشمنان را که به اختلافات ما امیدوارند را پیش می‌آوریم به جای انسجامی که رهبر عزیزمان آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای بر آن تأکید دارند. نگرانی بنده از آن جهت است که این نوع تقابل ها پیروزی ما را بر نظام استکباری و صهیونیسم به تأخیر می‌اندازد. حتماً به آیه پنج سوره حشر فکر کرده‌اید که می‌فرمایند «مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخِزِّيَ أَلْفُ فُسِّقِينَ» شما مسلمانان هیچ

نخلی را قطع نمی کنید و هیچ يك را سر پا نمی گذارید مگر به اذن خدا و همه اینها برای این است که خدا فاسقان را خوار کند.

و از این جهت ملاحظه کنید که حتی آنهایی که نخلها را قطع می کردند تا یهودیان دل از مدینه بکنند و بروند و آنهایی که درختان را حفظ می کردند تا بعد از آنکه یهودیان رفتند از آن خود مجاهدان باشد قرآن می فرماید هر دو کارشان صحیح است با دو رو کرد ولی با یک هدف. موفق باشید